

## مقالات



### پول و سیاست‌های اقتصادی

فریدون رستمی\*

رواج یافت.

با توجه به اینکه ارزش هر کالا در برابر کالای دیگر یکسان نبود و برخی کالاهای فیزیکی غیر قابل تقسیم بودند، بنابراین راه‌های نوینی برای تبادل کالا می‌باید یافت می‌شد که خود نیازمند اختراع معیار سنجشی برای داد و ستد را ضروری می‌نمود. این معیار سنجش کالاها همچنین می‌بایست با دوام، مورد پذیرش

داد و ستدکنندگان و حداقل دارای مشخصات فیزیکی ثابتی می‌بود. از اینرو بود که در جوامع بدوی از اجسام فیزیکی همچون سنگ، هسته میوه‌ها، مهره و غیره به عنوان معیار سنجش استفاده می‌شد که هر کالای قابل داد و ستدی یک یا چند برابر آن معیار ارزش (پول بدوی کالایی) ارزش داشت. این امر از جهت دیگری نیز با اهمیت بود چرا که مثلا اگر فردی می‌خواست یک جاندار در تملک خود را بفروشد برساند،



همچنین دریافتند که با تمرکز بر تولید یک یا چند کالای محدود خواهند توانست مقدار بیشتری از آن را بدست آورده و بر مصرف خود بیفزایند؛ همان پدیده‌ای که امروزه آنرا به عنوان اقتصاد مقیاس در تولید می‌نامیم. اما برای تنوع بخشیدن به مصرف، مردمان از جمله نیازمند فروش کالای تولیدی خود به دیگران و خرید کالای تولیدی دیگران بودند، بنابراین می‌باید کالاهای مازاد را داد و ستد کنند. به همین خاطر، داد و ستد کالایی

انسان برای تداوم زندگی نیازمند تولید کالا و خدمات مورد نیاز است. از اینرو، فعالیت‌های اقتصادی از دیر باز مورد توجه انسان به صورت گروهی یا فردی بوده است.

نیاز انسان در گذشته‌های خیلی دور بسیار محدود و از محیط اطراف و با استفاده از منابع طبیعی در دسترس و به صورت خام تامین می‌شد. با رشد جمعیت، شهرنشینی و

گسترش آن، و افزایش ارتباطات بین جوامع انسانی نه تنها راه‌های نوین تامین نیازها شناخته شد و جوامع از یکدیگر آموختند که چگونه از منابع در دسترس بهتر و بیشتر بهره‌برداری کنند، بلکه نیازهای جدیدی نیز بوجود آمد چرا که منابع طبیعی در دسترس بیشتری توسط جوامع شناخته شد. این امر در کنار تولید کالا موجب داد و ستد بین مردمان یک جامعه یا بین جوامع را سبب گردید. بنظر می‌رسد مردمان آن روزگاران

برگه های "رسید" نیز بتدریج رواج یافت که در نهایت به پول کاغذی فاقد پشتوانه بدل شده است که همگی از آن مطلعند. در گذر دگرگونی داد و ستد و ارزش گذاری کالاها و خدمات و تبدیل واسطه مبادله از پول بدوی به پول کاغذی امروز و دیگر ابزارهای دریافت و پرداخت کنونی، نقش انسان از تامین کننده نیروی یدی (نیروی کار) به ارایه دهنده آن به همراه بهره برداری از نیروی اندیشه خود (آسان سازی داد و ستد با اختراع پول و واسطه مبادله هر چه بهتر) دگرگون شد که حاصل آن نظام پولی بسیار پیچیده موجود در کشورهای جهان است که

**پول گران به ارز کشوری  
گفته می شود که نه تنها آن  
کشور دارای قدرت اقتصادی  
بیشتری است بلکه توانایی  
تامین کالاها و خدمات در  
مقابل بازپسگیری پول  
در جریان خود در بازارهای  
جهانی را نیز دارند.**

در آن انجام فعالیت های اقتصادی با استفاده از نیروی کار یدی و اندیشه ای با ارزش و هزینه آن در فرایند تولید محاسبه و پرداخت می شود.

آنچه در بالا گفته شد، خلاصه سیر چگونگی پیدایش پول در هزاران سال زندگی انسان بود که نه تنها در روان سازی مبادله موثر بوده بلکه گویای روابط اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته بر پایه همین مبادلات در درازنای زمان بوده است و به تبع آن، بیانگر ارزش های اجتماعی و اقتصادی .... در جوامع نیز می باشد، چرا که بر روابط تولید، توزیع، تبادل و بسیاری روابط تاثیرگذار دیگر موثر است. در واقع، پول حلقه پیوند بسیاری روابط بین افراد، گروه ها،

همچون گندم در برابر یک مقدار معینی از محصولی دیگر همچون برنج داد و ستد می شد که این روابط مبادله و این ارزش های نسبی بین کالاهای گوناگون در بسیاری از جوامع و حتی در روستاهای کشورمان هم اکنون نیز تداوم دارد.

اینکه چه مقدار از یک محصول یا کالا با چه مقدار از یک محصول یا کالای دیگر برابر است، به میزان نیروی کار بکار رفته در تولید آن محصول یا محصولات بستگی داشت که عمدتاً از میزان نیروی کار یدی بکار رفته در تولید آن سرچشمه می گرفت. بنابراین، به تدریج نیروی کار انسان نیز بخش پذیر و قابل ارزش گذاری شد و در انجام هر کاری مقدار معینی از محصول یا پول کالایی به فرد کارگر داده می شد که قابل داد و ستد بود و یا برای خرید کالای مورد نیاز آن فرد استفاده می شد.

همه این دگرگونی در درازنای زمان موجب پایگیری کارهای دیگر در پشتیبانی از تولید و داد و ستد شد که نیاز به انبارداری و ترابری کالاها از آن جمله اند که امروزه فعالیت های خدماتی نام گرفته اند. یکی دیگر از فعالیت ها در کنار کارهای تولیدی محض در جوامع بدوی فراهم آوری، تولید و نگهداری پول کالایی بود.

با توجه به کاستی های پول کالایی و کمبود آن در نتیجه افزایش داد و ستدها، بتدریج نیاز به ابداع نوع جدید پول ضرورت یافت.

گفته می شود که در آغاز دوره نوین، نگهدارندگان و صاحبان پول کالایی بجای نگهداری آن و برای ارایه خدمات مربوط در جهت روان سازی داد و ستد و با توجه به اعتبار خود در آن جوامع بجای پول کالایی به صدور حواله یا انتشار رسید در مقابل دریافت کالا، دریافت سپرده و یا از آن راه به پرداخت وام اقدام می کردند که همان رویه ابتدایی عملیات صرافی ها و بانک های امروز بود.

بنابراین در کنار استفاده از پول کالایی، فلزات مورد قبول و دیگر ابزارهای پرداخت،

می توانست در برابر آن چند واحد از پول بدوی را دریافت کرده، بخشی از آن پول را برای خرید نیازهای خود در همان زمان صرف و بقیه را در زمان یا زمان های دیگری در آینده مورد استفاده قرار دهد، یا به زبان دیگر، بخشی از جاندار را به صورت کنار گذاشتن پول بدوی پس انداز کند. در همین حال، خریداران آن جاندار می توانستند بسته به نیاز خود با پرداخت پول کالایی بخشی از آن جاندار را مثلاً برای تامین گوشت مورد نیاز خود تصاحب کنند و مجبور به خرید کل جاندار برای رفع آن نیاز محدود نبودند. بنابراین، هم فروشنده می توانست بخشی از

**حفظ ارزش پول نه تنها با  
منافع ملی گره خورده است،  
بلکه اعتبار هر کشوری را در  
جهان نشان می دهد. پس حفظ  
ارزش پول حفظ ارزش های  
هر کشوری در خارج از آن  
کشور و حفظ قدرت خرید آن  
بویژه برای دارندگان درآمدهای  
ثابت در داخل کشور است.**

کالای فیزیکی در اختیار را به صورت پول و برای آینده نگهداری کند و هم خریدار آن کالا برای مصرف خود می توانست با استفاده از پول کالایی نیاز مورد نظر خود را تامین کرده و مجبور به خرید کل یک جاندار برای مثلاً تامین یک کیلو گوشت نبود.

روابط اقتصادی فوق ظاهراً هزاران سال مورد عمل قرار می گرفت تا اینکه با گسترش این روابط بین افراد و جوامع، کاستی های ناشی از استفاده از پول کالایی منجر به استفاد از فلزاتی همچون طلا، نقره، مس و غیره شد. در همین حال، داد و ستد پایاپای نیز برای سایر کالاها رواج داشت که برای نمونه یک مقدار معینی از یک محصول

نژادها، کشورها و مناطق در جهان است و بنابراین هم با اهمیت و هم حساس است و هم می‌باید به شایستگی مورد نظر دولت‌ها باشد که آشنایی با کارکرد آن در نظام اقتصادی هر کشوری ضروری است.

با توجه به گوناگونی کارکرد پول، دانشمندان آن را دارای سه مشخصه اصلی به شرح زیر می‌دانند:

۱) واسطه مبادله ( برای داد و ستد کالاها و خدمات)،

۲) معیار سنجش کالا و خدمات و اینکه ارزش پولی هر کالا یا خدمتی چه اندازه است،

۳) ذخیره ارزش ( فروش کالا و خدمت و دریافت پول در برابر آن برای هزینه کردن در زمان کنونی یا در آینده).

بنابراین، پول نماد ارزش یا قدرت خرید انباشته شده نیز است و در بردارنده هزینه‌ای هم برای نگهداری و هم برای استفاده از آن در آینده است که همان نرخ کارمزد، بهره یا ربح می‌باشد. از اینرو، واگذاری مقداری پول از فردی به فرد دیگر به معنای انتقال قدرت خرید از فرد اولی به فرد دومی است که هزینه فرصت استفاده از آن می‌باید توسط دومی به اولی پرداخت شود که با توجه به پیچیدگی این روابط در جهان امروز انتقال پول از اولی به دومی نیز (توسط واسطه) هزینه‌ای در پی دارد. پس می‌توان نرخ بهره دریافتی را دارای دو بخش که هزینه استفاده و هزینه مبادله را شامل می‌شود، دانست که به تناسب بین دارنده پول و واسطه تقسیم می‌شود. تولید پول نیز خود دارای هزینه‌هایی بوده است که در نهایت می‌باید از سوی استفاده‌کنندگان آن جبران شود که در جهان کنونی توسط دولت‌ها انجام می‌شود که هزینه تولید آن غیر مستقیم از مردم دریافت می‌گردد.

بنابراین کسانی که اشیاء، فلزات، "رسیدها" و انواع دیگر پول را تولید و نگهداری می‌کردند، می‌بایست هزینه آن را نیز به عنوان هزینه خدمات دریافت می‌کردند که در روزگار نوین این وظیفه عمدتاً توسط

بانک‌ها انجام می‌شود. بنابراین، بنگاه‌های اقتصادی همچون بانک‌ها می‌باید بتوانند هزینه چاپ، نگهداری، واگذاری و استفاده پول را از مشتریان دریافت کنند که نرخ بهره تعادلی (یا نرخ مورد رضایت وام‌دهنده و وام‌گیرنده) در همین راستا کارساز بوده و اینکه تنظیم این نرخ در سطح غیر تعادلی هم از نظر عدالت و هم از نظر کارایی پرسش برانگیز است، زیرا که بر روابط اقتصادی، اجتماعی و... تاثیرگذار است. بنابراین پول کاغذی یا فلزی انتشار یافته

**با پیچیده شدن  
مناسبات اقتصادی و  
گسترش بازرگانی و تجارت  
و عدم تکافوی پول‌های فلزی،  
کشورهای جهان هر چه بیشتر  
به پول کاغذی روی آوردند  
که در ابتدا ارزش آن برابر با  
فلزات گرانبها بود.**

توسط مقامات بانکی و پولی کشور نماد نوین همان ابزاری است که در گذشته برای روانسازی مناسبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بطور کلی روابط بین جوامع مختلف مورد استفاده بوده و امروزه نیز نه تنها دارای همان اهمیت است بلکه با توجه به گسترش بسیار زیاد روابط بین کشورها این اهمیت دو چندان شده است.

با پیچیده شدن مناسبات اقتصادی و گسترش بازرگانی و تجارت و عدم تکافوی پول‌های فلزی، کشورهای جهان هر چه بیشتر به پول کاغذی روی آوردند که در ابتدا ارزش آن برابر با فلزات گرانبها بود و از اینرو نظام مالی بین‌المللی مبتنی بر نقره و سپس مبتنی بر طلا به یک نظام مالی نوینی تبدیل شده است که توانایی مالی کشورها دیگر به

میزان ذخایر و تولید نقره و طلا وابستگی بسیار کمی دارد و تقاضا برای این دو فلز، عمدتاً در جهت تولید صنعتی، استفاده شخصی و سوداگرانه است نه پشتوانه نظام پولی<sup>(۱)</sup> و اینکه پشتوانه پول یک کشور توانایی آن کشور در تولید کالا و خدمات است.

نظر به گسترش نسبتاً بی‌کران بازرگانی و تجارت جهانی و ناتوانی در پاسخگویی به تقاضای پول مبتنی بر فلزات گرانبها، و این اواخر طلا، برخی کشورها از نظام مبتنی بر طلا خارج و با توجه به اعتبار ناشی از قدرت اقتصادی خود تنها پول کاغذی بدون پشتوانه چاپ و در بازارهای جهانی برای خرید کالاها و خدمات از آن استفاده می‌کردند که دلار اروپایی از آن ارزشها بوده و هست که عرضه آن توسط بانک مرکزی امریکا انجام ولی پس از ورود به بازار جهانی بین سایر بازیگران اقتصادی و کشورها دست به دست می‌شود و ساز و کار ویژه خود را دارد.

به دنبال دلار، ارزشهای دیگر کشورهای پیشرفته نیز وارد بازار پولی جهان و به عنوان ارزشهای گران شدند که حق برداشت مخصوص را تشکیل می‌دهند. در کنار ارزشهای گران، برخی ارزشهای دیگر نیز در بازار پولی/مالی جهان مورد استفاده قرار می‌گیرند که ریال ایران از آن جمله است.

ورود هر چه بیشتر ارزشهای ملی به بازارهای جهانی از سویی نشانگر اعتبار جهانی آن ارزشها و از سوی دیگر، خواست کشورهای مربوط در افزایش منافع خود بر پایه عرضه ارز (کاغذ) و دریافت کالاها و خدمات مورد نیاز برای دستیابی به تولید بیشتر، کسب ارزش افزوده بالاتر و در نهایت افزایش سطح زندگی برای مردمان خود است تا در طی فرآیند پیشرفت توانمندتر از دیگر کشورها عمل کنند.

با پیروی هر چه بیشتر شمار زیادی از کشورهای جهان از این سیاست جهانی‌سازی پول خود و تبدیل آن به پول بین‌المللی و رقابت در چاپ و انتشار پول، جامعه جهانی

دریافت که با توجه به محدودیت تولید کالا و افزایش بی‌رویه پول کاغذی در جهان تنها تورم ایجاد می‌شود که افزایش قیمت کالاها در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و به صورت بی‌رویه موجب شد تا کشورها در پی محدود کردن انتشار پول باشند که انکا هر چه بیشتر به سیاست‌های پولی و هماهنگی بین بانک‌های مرکزی با توجه به سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول در همین راستا بوده و هست.

اما می‌دانیم که پول همه کشورها دارای اعتبار واحد در جهان نیستند و پول کشورها به صورت پول گران، پول ارزان و پول بی یا کم ارزش دسته‌بندی می‌شوند.

پول گران به ارز کشوری گفته می‌شود که نه تنها آن کشور دارای قدرت اقتصادی بیشتری است بلکه توانایی تامین کالاها و خدمات در مقابل بازپسگیری پول در جریان خود در بازارهای جهانی را نیز دارند. پول ارزان البته پولی است که اعتبار جهانی آن کمتر از پول نوع اول است، و پول کم یا بی‌ارزش پولی است که آن را نمی‌توان در بازار جهانی برای خرید کالا و خدمات بکار برد که این خود تابع معادلات پیچیده روابط اقتصادی در جهان است و اینکه میزان چاپ و انتشار پول و قدرت اقتصادی میزان اعتبار پول ملی را نشان می‌دهد و عرضه پول که امروزه اشکال دیگری را به خود گرفته در درون هر کشوری در نهایت برروی نرخ مبادله با سایر ارزهای خارجی موثر است. نرخ مبادله پول در طول زمان، از سوی دیگر، نشانگر قدرت اقتصادی کشور است و از همین روست که حفظ ارزش پول یکی از هدف‌های هر کشور است.

بنابراین در اقتصاد نوین، همگام با تولید کالا و ارایه خدمات، پول تسهیل‌کننده این مبادلات بوده و دارای سه مشخصه پیش گفته می‌باشد. اما پول توسط دولت‌ها چاپ و منتشر می‌شود که از این رهگذر دولت می‌تواند فعالیت‌های اقتصادی را تحت تاثیر قرار دهد. البته باید توجه داشت که چاپ و انتشار پول را هر دولتی می‌تواند انجام دهد

ولی اشتباه است اگر ببیندیم که تنها با چاپ پول به هر میزان و به صورت نامحدود می‌توان فعالیت اقتصادی در یک کشور را تحت تاثیر مثبت قرار داد، چرا که اگر چنین باشد، همه کشورها به راحتی و با صرف هزینه نسبتاً کم می‌توانند ثروتمند شوند که چنین نیست. پس پول عمدتاً منعکس‌کننده فعالیت‌های اقتصادی است نه برانگیزنده آن به هر میزان. از اینروست که عرضه پول در برخی مواقع همچون در زمان کمبود تقاضا افزایش می‌یابد (در سال‌های پس از ۱۳۶۷) و در مواقع فزونی تقاضا می‌باید کاهش یابد

**اینکه چه مقدار از یک محصول یا کالا با چه مقدار از یک محصول یا کالای دیگر برابر است، به میزان نیروی کار بکار رفته در تولید آن محصول یا محصولات بستگی داشت که عمدتاً از میزان نیروی کار یدی بکار رفته در تولید آن سرچشمه می‌گرفت.**

( چند سال گذشته و هم اکنون) چرا که سیاست‌های اقتصادی در هر کشوری و در جهان پس از دوران بی‌بند و باری پولی سال‌های دوره ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ با توجه به عرضه کل و تقاضای کل و در جهت افزایش تولید کالا و خدمات که خود منجر به رشد اقتصادی، گسترش اشتغال و غیره می‌شود، تنظیم می‌گردد. هنر مقامات پولی و بانکی در هر کشور در جهان در شناسایی زمان‌های افزایش یا کاهش عرضه پول است و اینکه عرضه پول می‌باید در راستای سیاست‌های تولید در کشور باشد. از اینروست که حفظ ارزش پول نه تنها با منافع ملی گره خورده است، بلکه اعتبار هر کشوری را در جهان نشان می‌دهد. پس حفظ ارزش پول حفظ

ارزش‌های هر کشوری در خارج از آن کشور و حفظ قدرت خرید آن بویژه برای دارندگان درآمدهای ثابت در داخل کشور است.

بنابراین لازم است بر پایه سیاست‌های پولی ارزش پول ملی را حفظ کنیم که اثرگذاری بر متغیرهای پولی در آن راستا است. اما چه زمانی می‌باید مسوول سیاست‌های پولی در کشور باشد؟

بدیهی است که زمانی می‌باید مسوول اعمال سیاست‌های پولی باشد که هم منافع ملی بلند مدت کشور را در نظر داشته باشد و هم بتواند بصورت مستقل و در راستای حفظ ارزش پول گام بردارد، و در صورت لزوم اقدامات لازم در جهت خنثی‌سازی سایر سیاست‌های مغایر با این هدف‌ها را اتخاذ و اعمال کند.

شایسته است پرسش شود که جایگاه پول و سیاست‌های پولی در نظام سیاست‌گذاری اقتصادی کشور چیست؟

\* عضو انجمن اقتصاددانان ایران

#### زیرنویس:

۱) در قرن نوزدهم میلادی (دوران قاجاریه) کشورهای عمده جهان تصمیم به تغییر نظام پولی از پایه نقره به پایه طلا گرفتند. در ایران پس از بحث و جدل به همان پایه نقره وابسته ماندند و پس از مدتی، در نتیجه زیان‌های ناشی از این وابستگی به نقره دولت را مجبور کرد تا نظام پولی را بر پایه نقره و طلا قرار دهد که زیان آن کمتر بود، و پس از مدت‌ها باز هم مجبور به رهاسازی این نظام و مبتنی کردن نظام پولی کشور بر پایه طلا شد. در این فرآیند البته کشور زیان‌های زیادی دید که کاهش ارزش نقره در مرحله اول و در نتیجه کاهش ارزش و قدرت خرید ذخایر کشور در بازارهای جهان از آن جمله بود. به نظر می‌رسد که پافشاری بر حفظ نظام پولی پایه نقره ناشی از بخشی‌نگری و حفظ منافع/سلايق افراد/ گروه‌های خاص و به دور از ملاحظات منافع ملی بود. □